

با یاد خدا، در ابتداء متن و کلام  
زینت بدhem به نام آن خالق تام

کاری از :بهتاب ناعمی

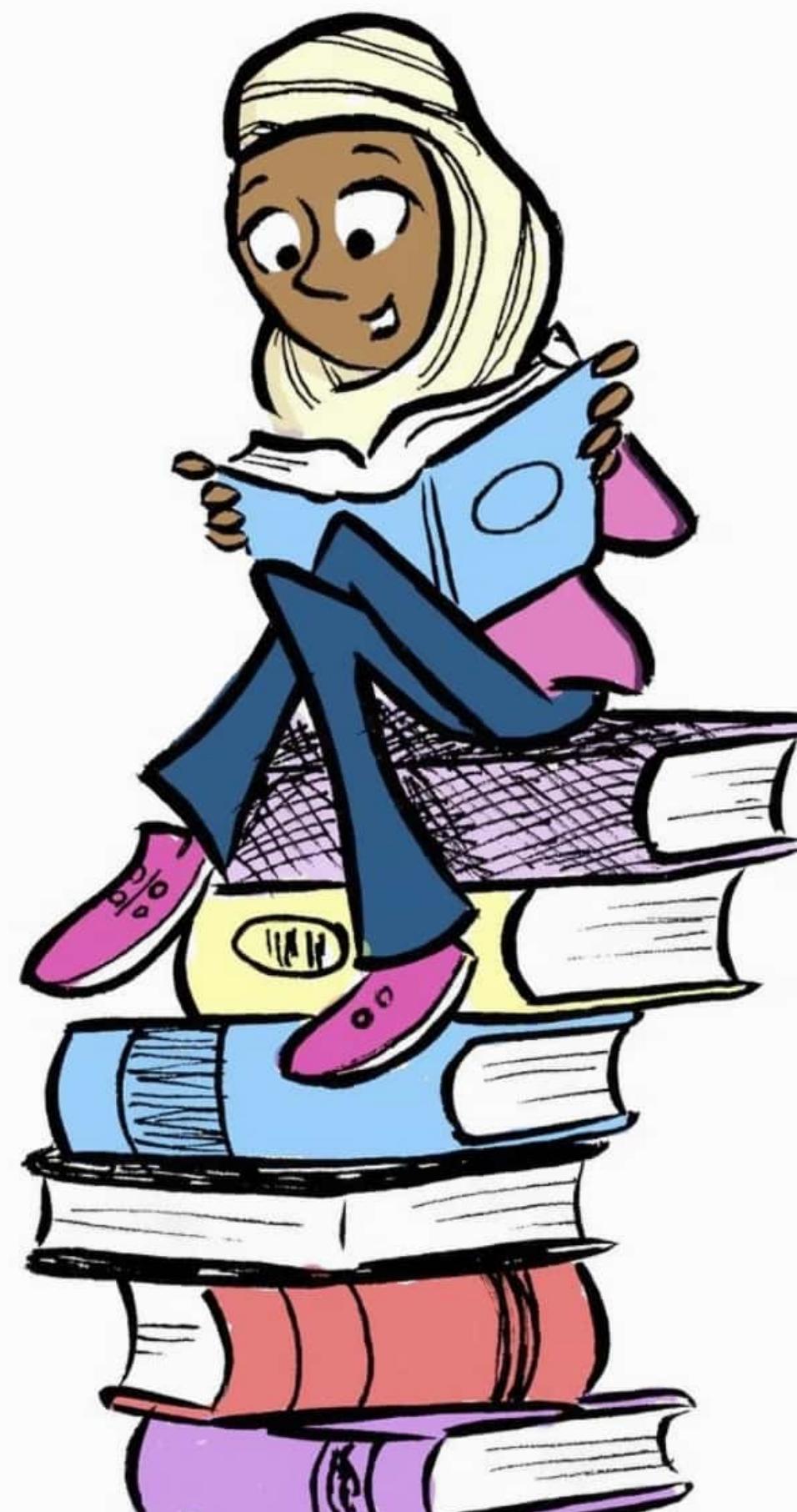
کلاس: ۸.۱

دبیرستان: سهام خیام

موضوع: شرح دادن بهترین کتابی که خوانده ایم



انیس کنج تنهایی کتاب است  
فروع صبح دانایی کتاب است



عکس کتابی که درباره  
اش شرح داده شده است



برندۀ جایزه بهترین کتاب داستانی گودریدز در سال ۲۰۲۰



# کتابخانه

یک کتابخانه، بی نهایت زندگی



# نیمه شب

مت هیگ

ترجمۀ محمد صالح نورانی زاده



## به نام خداوند آله‌های

### خداوند پروانه و پونه‌ها

شاعر برجسته وطنمنان سعدی فرموده اند: کتاب از دست دادن سست رایی است

که اغلب خوی مردم بی وفایست هر زمان که ما کتابی را می خوانیم گویی با انسان‌های مختلف صحبت، سفر، خنده، گریه و هزاران حس مختلف را تجربه می کنیم. در این متن من می خواهم درباره کتابی صحبت کنم که بهترین دوست من شد.

فرض کنید به زمانی رسیده اید که همه‌ی دوستان شما موفق هستند ولی شما زندگی خوبی ندارید، به آرزو هایتان نرسیده اید و کاملاً از آینده و حال نا امید هستید دیگر پروانه‌ی آرزو‌ها در افکار شما نیست و دیگر نغمه‌ی امید در وجود شما شنیده نمی‌شود. کتاب "کتابخانه نیمه شب" درباره نورا دختری است که در این وضعیت دردنگ است و یک شب آرزو می‌کند که زندگی خسته کننده خودش به پایان برسد ولی وقتی چشمانش را باز می‌کند وارد یک کتابخانه شده است. کتابخانه‌ای با کتاب‌های متحرک، قفسه‌های بزرگ و کتابدار دبیرستان قدیمی او.

کتابدار دبیرستان او که ده‌ها سال است که نورا او را ندیده بدون هیچ مقدمه‌ای قوانین کتابخانه را توضیح می‌دهد و او می‌گوید: نورا‌ی عزیزم هر کتاب آرزو‌های از دست رفته تو است تو وارد آن‌ها می‌شوی و آرزو‌هایی که بهشون نرسیده‌ای را زندگی می‌کنی و در آخر اگر منصرف شدی تا ابد به دنیا آخرت میری.

نورا هر آرزو را زندگی می‌کند از اولین امید شکسته کودکی اش که دوست داشت شناگر ماهری باشد تا پنج دقیقه بیشتر بودن با خانواده اش.

گویی نورا شخصیت اصلی داستان رو بروی من نشسته بود و با من صحبت می‌کرد. من می‌خواستم به او بگویم که تو موفق می‌شی زندگی را انتخاب کن یا اینکه نورا‌ی عزیزم چطور در درون خاطره‌های را تا الان تحمل کرده‌ای؟

در آخر نورا به این نتیجه رسید که آرزو‌ها مانند قاصدکی هستند که رفته اند شاید شخصی موفقیت برایش هنرمند شدن شخص دیگری قهرمان شنا شدن است ولی در آخر بزرگترین موفقیتی که یک انسان بهش می‌رسد زندگی کردن است پس نورا بین نا امیدی، شکننده بودن و مرگ زندگی را انتخاب کرد

زندگی زیباست چشمی باز کن گردشی در کوچه با غ راز کن  
هر که عشقش در تماسا نقش بست عینک بدینی خود را شکست.



# نمره های من به کتاب

۱۰ از ۱۰

نویسنده:

نویسنده به خوبی مرز واقعیت و روایا را برای ما توضیح داده است

۱۰.۱۰

خلاقیت داستان:

داستان خلاقانه و هیجان انگیز است

۱۰.۱۰

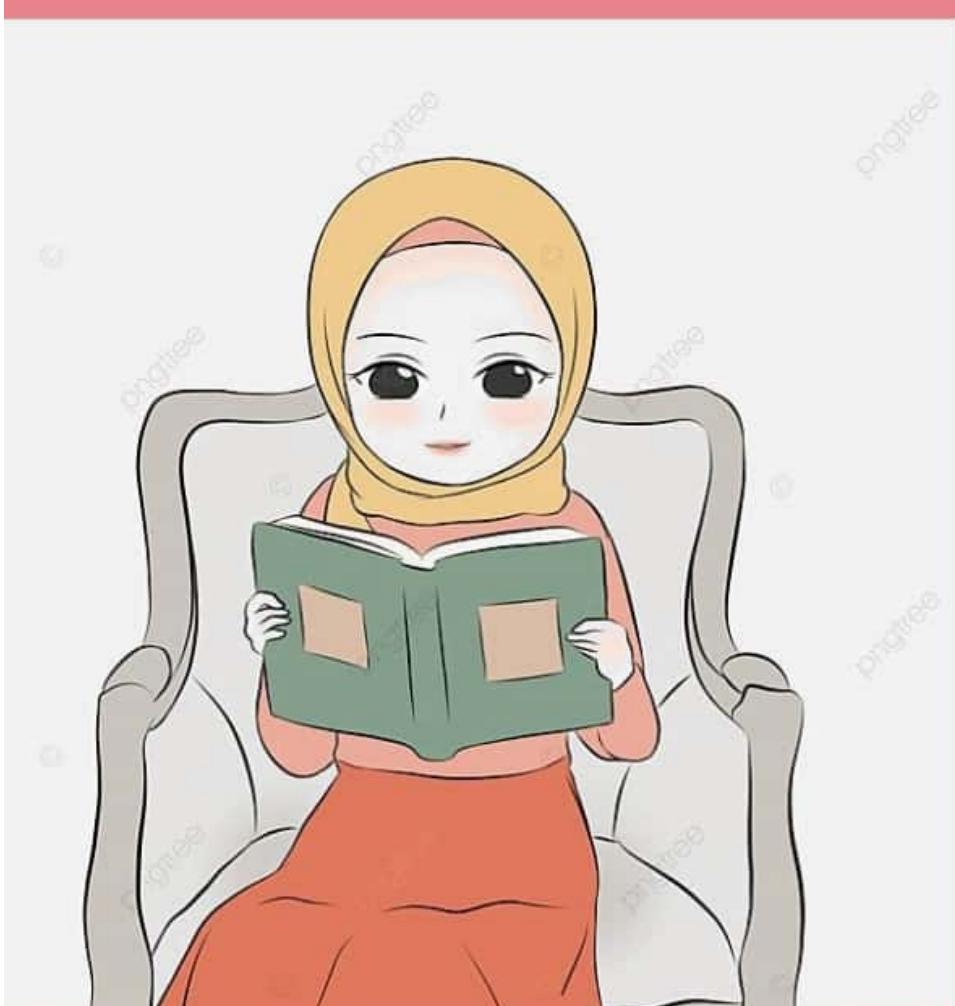
تأثیر گذار بودن:

دلیل انتخاب این کتاب مفید و تاثیر گذار بودن این کتاب بود

۹.۱۰

روان بودن متن:

متن به زیان ساده و زیبا بود. شاید در بعضی صفحات از کلمه های دشوار کنار کلمات ساده استفاده شده بود که این اتفاق ممکن است بخاطر ترجمه زمان انگلیسی به فارسی بوده است





با سپاس از توجه شما

